

آسیب‌شناسی سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی ایران

کتایون شمشادی*، حامد نجفی علمدارلو**، مهدی اکبری*** و بهنام علیزاده****

شماره صفحه: ۳۴-۵	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۲	تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲	نوع مقاله: علمی
------------------	-----------------------	------------------------	-----------------

حمایت از بخش کشاورزی، بخش جدایی‌ناپذیر اقتصاد کشاورزی به شمار می‌رود. از طرف دیگر، شرایط اقلیم ایران به همراه نوسانات قیمت در بازار تولید و نرخ ارز، اهمیت این حمایت‌ها را برای بخش کشاورزی دوچندان کرده است. در این مطالعه به منظور برآورد میزان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی از شاخص‌های حمایت از مصرف‌کنندگان، حمایت از تولیدکنندگان و خدمات عمومی بخش کشاورزی استفاده شده است. در ادامه با استفاده از روش دلفی و با توجه به نظر خبرگان به آسیب‌شناسی و تغییر ساختار حمایت از این بخش پرداخته شده است. برآورد میزان حمایت از تولیدات کشاورزی نشان می‌دهد تولیدکنندگان به طور متوسط ۱۶۲۲۸۰ میلیارد ریال به جامعه مالیات غیرمستقیم پرداخته‌اند و از این رو حمایت از تولید این بخش منفی بوده است. همچنین حمایت‌های قابل توجهی از مصرف‌کننده از طریق سرکوب قیمتی انجام شده است و به طور متوسط ۹۰۹۰ میلیارد ریال از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی حمایت شده است. در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌ها حمایت از بخش خدمات عمومی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. همچنین در بعضی از گروه‌های محصولاتی وجود حاشیه قیمتی ناعادلانه، هر دو بخش مصرف و تولید را متضرر کرده و حمایت از هر دو گروه منفی بوده است. تحلیل خبرگانی از ساختار حمایت از بخش کشاورزی ایران نیز ضرورت اصلاح و تغییر سیاستگذاری در این زمینه را تأیید می‌کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست غذای ارزان از اولویت تصمیم‌گیران خارج شده و دخالت دولت به سود تولیدکننده تغییر کند؛ درعین حال قدرت خرید مصرف‌کنندگان از طریق جبران دستمزد و پرداخت‌های مستقیم افزایش یابد. به منظور حمایت از تولیدکننده، کاهش ریسک قیمت و افزایش دریافتی تولیدکنندگان از طریق تسهیلات بازاریابی در دستور کار قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: شاخص حمایت مصرف‌کننده؛ شاخص حمایت تولیدکننده؛ آسیب‌شناسی حمایت؛ روش دلفی

* استادیار مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی؛

Email: k.shemshadi@agri-peri.ac.ir

** دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)؛ Email: hamed_najafi@modares.ac.ir

*** دانشجوی دکتری گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس؛ Email: mehdiakbari@modares.ac.ir

**** دانشجوی کارشناسی ارشد گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس؛

Email: Behnam_alizadeh@modares.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وهشتم، شماره یکصدوهشتم، زمستان ۱۴۰۰

doi: 10.22034/MR.2021.4116.4103

مقدمه

تولید کشاورزی یک فرایند ریسکی است و تحت تأثیر عوامل مختلف طبیعی، اقتصادی و سیاسی قرار می‌گیرد. این عوامل با ایجاد نوسان در قیمت و در عملکرد تولید موجب بی‌ثباتی درآمد تولیدکنندگان بخش کشاورزی می‌شوند (Tripathi, 2013). ابزارهای مختلف حمایت از بخش کشاورزی آثاری را بر دریافتی کشاورزان دارد که باعث تشویق آنها به تولید بیشتر می‌شود، اما سطوح این حمایت‌ها در طول زمان نوساناتی دارد که تحت تأثیر طراحی سیاست‌ها، دوره‌های سیاسی کشور و بودجه است. این نوسانات پایداری درآمدی مزارع را که اغلب از اهداف سیاست‌های کشاورزی است، تحت تأثیر قرار می‌دهد (Hennessy, 1998). استدلالی که برای حمایت از بخش کشاورزی وجود دارد، تغییر نقش کشاورزی طی روند رشد اقتصادی است. با رشد اقتصادی اهمیت نسبی مخارج غذایی در بودجه خانوار و همچنین سهم تولید و اشتغال بخش کشاورزی کاهش می‌یابد؛ بنابراین مصرف‌کنندگان شهری نسبت به افزایش قیمت محصولات کشاورزی به دلیل اجرای سیاست‌های حمایتی واکنش کمتری نشان می‌دهند. از سوی دیگر با افزایش سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی و کسب درآمدهای ارزی مطلوب، اهمیت این حوزه آشکار شده است و این بخش به عنوان مکمل سایر بخش‌های اقتصاد کلان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (عبدی، ۱۳۹۴). همان‌طور که بیان شد با توجه به اهمیت بخش کشاورزی در تولید، اشتغال و ایجاد امنیت غذایی، کشورهای مختلف جهان اعم از توسعه‌یافته یا در حال توسعه به روش‌های گوناگون در قالب تأمین و توزیع نهاده‌ها، خرید تضمینی، تنظیم بازار، اعطای یارانه، تشویق سرمایه‌گذاری و دیگر زمینه‌های مرتبط این بخش را حمایت می‌کنند (حسینی و رضایی، ۱۳۸۹؛ OECD, 2008). باید اذعان داشت که هر یک از این ابزارها دارای اهداف خاصی بوده و برای بهره‌گیری در شرایط خاص طراحی شده‌اند. بنابراین سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان این بخش باید با در نظر گرفتن این ویژگی‌ها و شرایط و عوارض پیش روی هر محصول، از ابزار مناسب استفاده کنند. محققان حوزه سیاست‌های کشاورزی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی از سیاست‌های کشاورزی ارائه کرده‌اند (Swinnen et al., 2002). این پژوهشگران سیاست‌های کشاورزی را به دو دسته «سیاست‌های تخصیصی» و «سیاست‌های توزیعی» تقسیم کرده‌اند. سیاست‌های تخصیصی برای اصلاح ناکارایی یا شکست بازار در

تخصیص منابع اجرا می‌شوند و سیاست‌های توزیعی درصدد بازتوزیع درآمد بین اقشار جامعه و حمایت از گروه‌های هدف در برابر دیگر گروه‌ها برمی‌آیند (Ibid.). در حقیقت سیاست‌های تخصیصی واکنش به ناکارایی یا شکست بازارند. همچنین امکان دارد تخصیصی که توسط نیروهای بازار انجام می‌شود، از طرف جامعه هدف پذیرش نشود و یا عادلانه نباشد، از این رو سیاست‌های توزیعی در دستور کار قرار می‌گیرد (حسن‌پور، ۱۳۸۴).

در تقسیم‌بندی دیگری سیاست‌های حمایتی به دو دسته «حمایتی قیمتی» و «حمایتی غیرقیمتی» دسته‌بندی می‌شوند. سیاست‌های قیمتی به سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که هدف آن حمایت از قیمت دریافتی تولیدکننده برای محصولات تولیدی در بُعد محصولی و یا حمایت از قیمت پرداختی برای نهاده‌های تولید در بُعد عوامل تولید است. سیاست‌های غیرقیمتی نیز سیاست‌هایی هستند که متغیرهای هدف (درآمد، تولید، مصرف و ...) و یا عواملی که به‌طور غیرمستقیم بر قیمت دریافتی تولیدکننده و یا هزینه‌های تولید اثرگذارند را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سلطانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۶). اگرچه در بخش کشاورزی ایران همه این سیاست‌ها اجرایی نشده‌اند، اما اتخاذ بعضی از آنها به زیان بخش کشاورزی بوده و نتوانسته به اهداف از پیش تعیین شده برسد.

دلایل اعمال سیاست‌های حمایتی را می‌توان به دو دسته عوامل اقتصادی و غیراقتصادی نسبت داد. از جمله دلایل اقتصادی اجرای این سیاست‌ها می‌توان به کم‌کشش بودن عرضه محصولات، حمایت از صنایع نوزاد، بهبود رابطه مبادله، فسادپذیری و محدود بودن ظرفیت و توان ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی، افزایش توان رقابتی در بازارهای صادراتی، جلوگیری از کاهش درآمد کشاورزان و دامداران در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصاد، حفظ اشتغال و جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها، جلوگیری از انتقال درآمد از بخش کشاورزی به دیگر بخش‌های اقتصاد، ایجاد درآمد برای دولت و تمایل نداشتن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش‌های پشتیبانی و زیربنایی کشاورزی اشاره کرد (حسینی و رضایی، ۱۳۸۹). همچنین از دلایل غیراقتصادی که بیشتر مورد توجه سیاست‌گذاران است، می‌توان به ریسک بالاتر نسبت به سایر بخش‌ها، تأمین امنیت غذایی، خودکفایی و قطع وابستگی به خارج اشاره کرد (نوری، ۱۳۸۱؛ حسینی درویشانی و غریب، ۱۳۸۳؛ Zadravec and Zalik, 2009). در مجموع رسیدن به رشد و

توسعه بخش کشاورزی و دیگر بخش‌های مرتبط با آن، از دلایل لزوم دخالت دولت‌هاست. گرایش سیاستگذاران در ایران به‌طور عمده برای حمایت از مصرف‌کننده و کالاهای مصرفی اساسی بوده، در حالی‌که در کشورهای توسعه‌یافته به سمت حمایت از تولیدکنندگان کشاورزی است (نجفی علمدارلو، ۱۳۹۸).

با اینکه حمایت از بخش کشاورزی وجود داشته، اما همواره تأمین غذای ارزان برای مصرف‌کنندگان شهری اولویت بالاتری در نزد سیاستگذار داشته است. به همین دلیل اهمیت حمایت از تولید در بخش کشاورزی در درجه دوم بوده است. از این‌رو سیاست‌های حمایتی به‌کار گرفته شده مؤثر نبوده و با اهداف این سیاست‌ها فاصله دارد. بخش قابل توجهی از این چالش و نابسامانی‌ها ریشه در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی دارد که شناسایی و معرفی آنها، نیازمند آسیب‌شناسی است. با توجه به اینکه سیاست‌های حمایتی بار مالی سنگینی بر دوش دولت تحمیل می‌کند، هدفمند بودن و به نتیجه رسیدن این مخارج بسیار مهم خواهد بود (سادات باریکانی و آذری، ۱۳۹۱).

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه با درآمد سرانه متوسط، از یک سو به عنوان کشور صادرکننده نفت دارای منبع بیرونی درآمد است، اما از سوی دیگر این منبع آنقدر بزرگ نیست که درآمد سرانه بالایی را برای کشور ایجاد کند (نجفی علمدارلو، ۱۳۹۸). با توجه به اینکه تاکنون حمایت‌های متفاوتی از کشاورزی در ایران انجام شده است، اما چون هیچ‌یک نتوانسته به اهداف از پیش تعیین شده برسد، بررسی و آسیب‌شناسی این سیاست‌ها ضروری است. همچنین برآورد دقیقی از میزان حمایت از بخش کشاورزی کشور در دسترس نیست؛ بنابراین هدف تحقیق حاضر برآورد میزان حمایت‌ها از بخش کشاورزی و آسیب‌شناسی سیاست‌های اعمال شده در ایران است. برای این منظور ابتدا میزان حمایت از بخش کشاورزی برآورد شده و در ادامه تغییر ساختار حمایت‌ها در معرض قضاوت جامعه خبرگانی قرار داده شده است.

۱. ادبیات تحقیق

سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی از اهمیت و جایگاه راهبردی در فرایند سیاستگذاری توسعه کشاورزی کشورهای توسعه‌یافته برخوردار است. نظریه‌پردازان برای توجیه این

حمایت‌ها استدلال‌های مختلفی ارائه می‌کنند، اما آنچه که در عمل مشخص است، وجود بسته‌های سیاستی پیچیده و قدرتمند در کشورهای توسعه‌یافته برای حمایت از بخش کشاورزی و غفلت کشورهای توسعه‌نیافته و برخی از کشورهای در حال توسعه از اهمیت این سیاست‌هاست. در مورد آثار سیاست‌های حمایتی بر بخش کشاورزی و تأثیر آن بر متغیرهای مختلف این بخش، ادبیات نسبتاً گسترده خارجی و داخلی وجود دارد که هر یک از این مطالعات از جنبه‌ای خاص تأثیر این سیاست‌ها را بر بخش کشاورزی مورد بررسی قرار داده‌اند. بیشتر از همه، سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی همه‌ساله گزارشی از وضعیت سیاست‌های حمایتی در کشورهای عضو این سازمان ارائه می‌دهد. پژوهش‌های غیرمنظم و پراکنده‌ای نیز در دیگر کشورهای جهان و حتی دیگر نهاد‌های بین‌المللی انجام شده است که در ادامه توضیح داده می‌شود.

بستاکی و صادقی (۱۳۸۱) در پژوهشی نتیجه می‌گیرند که اثر سیاست‌های مداخله مستقیم دولت بر بخش دام و طیور مثبت است ولی این آثار بسته به اینکه نرخ حمایت، اسمی یا ضمنی محاسبه شود و همچنین با توجه به نوع نرخ ارز محاسبه شده، متفاوت است. پرمه و سیدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «سیاست‌های حمایتی، دیدگاه‌های بین‌المللی و کشاورزی ایران» شیوه‌های حمایت از بخش کشاورزی ایران را با تأکید بر حمایت داخلی بررسی کردند و سپس سطح انطباق این شیوه‌ها با توافق‌های بین‌المللی را مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که حمایت قیمتی محصولات براساس نرخ آزاد ارز منفی است و سیاست خرید تضمینی دولت با توجه به قیمت‌های جهانی محصولات کشاورزی، نقش حمایتی نداشته و همواره این سیاست به زیان بخش کشاورزی بوده است. بستاکی (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی آثار سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی پرداخت و آثار سیاست‌های مداخله مستقیم دولت در قیمت‌گذاری محصولات زربخش دام و طیور از جنبه سنجش میزان حمایت از این محصولات را بررسی کرد. وی به این نتیجه رسید که گوشت مرغ و تخم‌مرغ تحت مالیات یا حمایت منفی بوده‌اند که دلیل آن اعمال سیاست تثبیت قیمت‌ها برای این دو کالا بوده است. عسکری و حسینی درویشانی (۱۳۸۶) به بررسی شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی ایران و

مقایسه آن با کشورهای منتخب جهان پرداختند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که متوسط شاخص کل حمایت از بخش کشاورزی به طور متوسط در هر سال برابر ۵ درصد بوده و در دامنه ۴ تا ۵ درصد قرار داشته که نشان می‌دهد در هر سال به همین میزان از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص می‌دهد. گیلان پور و حجازی (۱۳۸۸) با تحلیل اندازه و شیوه حمایت با استفاده از شاخص معیار کلی حمایت^۱، میانگین سهم حمایت از ارزش تولید را حدود ۱۸ درصد برآورد کردند. پرمه و کرباسی (۱۳۹۱) دریافتند که با کاهش حمایت از بخش کشاورزی به دلیل افزایش هزینه و کاهش تولید، سطح تورم نیز افزایش یافته است، اما این میزان چندان قابل ملاحظه نیست. حسینی و مهرپرور حسینی (۱۳۹۳) با هدف بررسی اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های حمایت از زیربخش‌های کشاورزی، به پیش‌بینی شاخص‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و شاخص برآورد حمایت کل پرداختند. نتایج مقاله آنان نشان داد که شاخص اثر مستقیم حمایت کل در زیر بخش زراعت در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ دارای روند افزایشی حمایت از این بخش بوده و زیربخش باغبانی با استفاده از ارز حقیقی نوسانات زیادی داشته است. کاظم‌نژاد (۱۳۹۳) با بررسی و تحلیل اجتناب‌ناپذیری حمایت از بخش کشاورزی در ایران و جهان، تلاش کرده تا ضمن اشاره به رویکردهای مختلف محققان بر اصرار حمایت از بخش کشاورزی، با ارائه شواهد و تأکید بر مبانی نظری و ماهیت محصولات کشاورزی به ارتباط میان کشش تقاضای محصولات کشاورزی و درآمد تولیدکنندگان پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد میزان حمایت در محصولات و کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۲ تفاوت معناداری با یکدیگر دارند، به‌گونه‌ای که این میزان حمایت براساس شاخص حمایت از تولیدکننده از ۰/۰۱ درصد در محصول ذرت در اتحادیه اروپا تا ۲۷/۱۵ درصد در محصول گندم در چین متفاوت است. باریکانی و شهبازی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی اثر سیاست‌های حمایت یارانه‌ای از نهاده‌ها بر بهره‌وری کل عوامل تولید بخش کشاورزی ایران» نتیجه می‌گیرند که حمایت یارانه‌ای از نهاده‌ها در کنار حمایت از طریق تحقیقات، آموزش و ترویج می‌تواند در بلندمدت

1. Aggregate Measurement of Support (AMS)

آثار زیادی بر بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید داشته باشد. حسینی و همکاران (۱۳۹۵) اثر سیاست‌های حمایتی دولت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی بر امنیت غذایی در ایران را بررسی کردند. آنها نشان دادند که سیاست‌های حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص امنیت غذایی در ایران دارد. قهرمان‌زاده و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به «ارزیابی اثربخشی سیاست‌های حمایتی دولت بر بهره‌وری کل عوامل تولید در سامانه‌های روستایی و عشایری پرورش دام سبک در استان‌های منتخب کشور» پرداختند و دریافتند که حساسیت بهره‌وری کل عوامل تولید^۱ نسبت به شاخص حمایت از تولیدکننده، در بخش عشایری از بخش روستایی بیشتر است. جعفری لیسار، کرامت‌زاده و جولایی (۱۳۹۸) به منظور «بررسی تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر عرضه برنج در ایران» از آمار و داده‌های سری زمانی و تخمین تابع عرضه برنج استفاده کردند. نتایج نشان داد که قیمت تضمینی با یک وقفه، اثری مثبت و معنادار بر عرضه برنج داشته و شاخص هزینه منابع داخلی^۲ به عنوان شاخص حمایت دولت از تولید این محصول تأثیر منفی و معناداری بر عرضه برنج داشته است. نوروزی، حسینی و انصاری (۱۳۹۹) با بررسی «تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران» در چارچوب الگوی تصحیح خطای برداری^۳ به این نتیجه رسیدند که سیاست‌های حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده اثر مثبت و معناداری بر سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی داشته‌اند. احمدی، اشراقی و شیرانی بیدآبادی (۱۳۹۹) به منظور «ارزیابی آثار سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته در ایران» با استفاده از معیارهای برآورد حمایت از مصرف‌کننده و تولیدکننده به این نتیجه رسیدند که بیشترین مقدار حمایت از تولیدکنندگان محصول پسته طی مدت برنامه سوم توسعه اقتصادی به میزان ۵۸۲۸۶۹/۵۶ ریال و کمترین مقدار حمایت از تولیدکنندگان مربوط به برنامه اول

-
1. Total Factor Productivity (TFP)
 2. Domestic Resource Cos (DRC)
 3. Vector Error Correction Model (VECM)

توسعه اقتصادی به میزان ۳۱۸۰۷۸۲/۰۷- ریال است. کاکمک^۱ (۲۰۰۳) ضمن بررسی پایداری سیاست‌های حمایتی ترکیه در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۱ پیشنهاد می‌کند سیاست‌های آتی از حالت توزیع‌محور به سمت سیاست‌های مولد و سودآور حرکت کند تا قدرت رقابت پایداری در بازارهای جهانی افزایش یابد. گوپیناث، مولن و گوآلتی^۲ (۲۰۰۴) با بررسی حمایت داخلی از کشاورزی در اتحادیه اروپا و آمریکا دریافتند که پس از موافقت‌نامه دور اروگوئه در سال ۱۹۹۴، کشورهای توسعه‌یافته تلاش کرده‌اند تا حمایت‌های درآمدی یا پرداخت‌های مستقیم را جانشین سیاست‌های حمایت قیمتی کنند. اردن و همکاران^۳ (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان برآورد حمایت از تولیدکننده کشاورزی برای کشورهای در حال توسعه (مسائل محاسباتی و تجربه چین، اندونزی، ویتنام و هند) به تحلیل تحولات سیاست‌های کشاورزی در این چهار کشور طی سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۲ پرداختند. نتایج آنان نشان داد که ارزشگذاری بیش از اندازه نرخ ارز در هند، موجب کاهش قیمت محصولات کشاورزی در این کشور (پیش از تعدیل‌های کلان اقتصادی در دهه ۱۹۹۰) شده بود، اما در چین ارزشگذاری کمتر از اندازه نرخ ارز در اواخر دهه ۱۹۹۰، نسبت به سیاست‌های مستقیم، بر افزایش قیمت محصولات هدف، اثر بیشتری داشته است. کواشا، لوکا و ژمودا^۴ (۲۰۰۶) اثر انحراف نرخ ارز بر برآورد حمایت از بخش کشاورزی اوکراین را بررسی کرده و نتیجه گرفتند که اثر تغییرات نرخ ارز بر شاخص حمایت از تولیدکننده، هم به درجه انحراف نرخ ارز و هم به درجه تثبیت نرخ ارز بستگی دارد. کوانسکی و تانگرن^۵ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای حمایت از تولیدکنندگان کالاهای کشاورزی در کشور چین طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵ را کمتر از متوسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی برآورد کردند. اینهوان^۶ (۲۰۰۸) به بررسی سیاست‌های حمایتی کشاورزی در کشورهای صنعتی در سال‌های ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۴

-
1. Cakmak
 2. Gopinath, Mullen and Gualti
 3. Orden et al.
 4. Kvasha, Luka and Zhemojda
 5. Kwiecinski and Tongeren
 6. Inhwan

پرداخت. نتایج وی نشان داد که سطح حمایت بخش کشاورزی رابطه منفی با سهم کشاورزی در کل اقتصاد و تولید ناخالص ملی سرانه در کشاورزی دارد. دمیردوچن، اولهان و چاووس^۱ (۲۰۱۶) به ارزیابی آثار سیاست‌های کشاورزی بر تخصیص زمین در ترکیه طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ پرداختند. در این تحقیق دو ابزار سیاستی شامل حمایت از تولید که باعث افزایش درآمد کشاورزان می‌شود و حمایت نهاده‌ها بررسی شدند. نتایج نشان داد که حمایت نهاده‌ها اثر بزرگتری نسبت به حمایت‌های تولید بر تخصیص زمین منطقه دارد. همچنین حمایت محصولات کتان اثر معنادار منفی بر تخصیص زمین داشته است. کوزر^۲ و همکاران (۲۰۱۶) با استفاده از شاخص حمایت تولیدکننده به تحلیل سیاست‌های حمایتی در اروپای شرقی (ارمنستان، آذربایجان، مالدیو، اوکراین، روسیه، گرجستان و بلاروس) در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که حمایت‌های بودجه‌ای ناکافی بوده و حمایت از کشاورزان باید در دستور کار قرار گیرد.

با توجه به آنچه بیان شد سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی در چند دهه تأثیر چشمگیری بر تولیدات، کشاورزان و مصرف‌کنندگان این بخش داشته است. از این رو بررسی میزان حمایت‌ها از تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی و همچنین آسیب‌شناسی آن به منظور برنامه‌ریزی و مدیریت بخش کشاورزی در سال‌های آتی امری ضروری است. با توجه به اینکه تاکنون در کشور مطالعه‌ای به صورت هم‌زمان به برآورد میزان حمایت از بخش کشاورزی و آسیب‌شناسی آن انجام نشده؛ تحقیق حاضر سعی دارد تا با رویکردی تحلیلی و علمی، دریچه سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی را مورد بررسی موشکافانه قرار دهد تا از این طریق با ارزیابی برون‌داد و شناسایی موانع و محدودیت‌ها، آسیب‌های برنامه‌ریزی و سیاستگذاری بخش کشاورزی را آشکار کرده و در کنار آن تدابیر و راهکارهای مناسب برای تدوین این سیاست‌ها و غلبه بر موانع، محدودیت‌ها و آسیب‌های موجود را در این عرصه پیشنهاد دهد.

1. Demirdögen, Olhan and Chavas

2. Kozar et al.

۲. روش محاسبه حمایت از بخش کشاورزی

روش شناسی این مطالعه مشتمل بر دو بخش است. در ابتدا روابط برآورد میزان حمایت از محصولات کشاورزی ذکر شده و در ادامه از روش دلفی برای آسیب شناسی این حمایت‌ها استفاده شده است.

۲-۱. برآورد میزان حمایت‌ها

«حمایت» در واقع میزان انتقال ناخالصی است که از طرف مصرف‌کنندگان و مالیات‌دهندگان به سمت کشاورزان و در نتیجه سیاست‌های دولت برای حمایت از بخش کشاورزی انجام می‌شود. حمایت‌های کشاورزی می‌تواند به صورت پرداخت مستقیم به کشاورزان باشد و یا علاوه بر مواردی باشد که در بودجه سالیانه دولت منعکس می‌شود. از این رو بالاتر بودن قیمت‌های داخلی از قیمت‌های سر مرز و معافیت‌های مالیاتی و اعتباری در زمره همین پرداخت‌های مستقیم قرار می‌گیرند. تمایز بین «تدارک حمایت» و «اثر حمایت» بسیار مهم است. چرا که ممکن است سیاست حمایتی برای منظور خاصی وضع شود، اما همه آن به گروه هدف نرسد، چون نظام‌های اقتصادی عملکرد متفاوتی دارند و گم شدن رفاه یک پدیده غالب در نتیجه دخالت دولت در سازوکار بازار است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۳). در ادامه به بررسی شاخص‌هایی که برای تعیین میزان حمایت از بخش کشاورزی و برآورد و کمی‌سازی آن که توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ در سال ۲۰۰۰ معرفی شد، می‌پردازیم.

برآورد شاخص حمایت از تولیدکننده:^۲ این شاخص در واقع میزان انتقال‌های قیمتی را نشان می‌دهد که از طریق تفاوت قیمت سر مزرعه با قیمت جهانی (مرجع) و یا از طریق پرداخت‌های بودجه‌ای نصیب تولیدکننده می‌شود. قسمت اول این انتقال‌ها با عنوان

1. Organization for Economic Co-Operation and Development (OECD)

2. Producer Support Estimate (PSE)

حمایت از قیمت بازاری^۱ و قسمت دوم آن با عنوان پرداخت‌های بودجه‌ای^۲ شناخته می‌شود که از طرف دولت در اختیار تولیدکنندگان یک کالا قرار می‌گیرد. پرداخت‌های بودجه‌ای در ایران شامل یارانه به نهاده‌های تولید، بیمه محصولات کشاورزی، یارانه انرژی، تسهیلات بانکی و یارانه واکسن و سرم دامی می‌شود. شاخص حمایت از تولیدکنندگان از طریق معادله زیر به دست می‌آید (حسینی، ۱۳۹۲):

$$PSE = Q_P [P_D - P_M] + BP \quad (۱)$$

در معادله فوق، Q_P مقدار تولید، P_D قیمت داخلی و P_M قیمت وارداتی و یا مرجع آن کالا و BP پرداخت‌های بودجه‌ای دولت به تولیدکنندگان کشاورزی (شامل مجموع یارانه نهاده کود و انرژی، بیمه، تسهیلات بانکی و انرژی) را نشان می‌دهد.

برآورد شاخص حمایت از مصرف‌کننده:^۳ این شاخص نشان دهنده ارزش سالیانه انتقال‌های ناخالص به مصرف‌کنندگان یک کالا است و برحسب قیمت‌های داخلی محاسبه می‌شود. روش محاسبه این شاخص به صورت زیر است (همان):

$$CSE = X_2 - [IX_1 - IX_2] + IX_3 \quad (۲)$$

در این معادله، X_2 میزان خالص پرداخت‌های مالیات‌دهندگان به مصرف‌کنندگان است. این پرداخت‌ها برای جبران اثر حمایت قیمت داخلی انجام می‌شود. IX_1 پرداخت‌های مصرف‌کنندگان به تولیدکنندگان است و به دلیل تفاوت قیمت پرداختی مصرف‌کنندگان و قیمت مرجع جهانی و به ازای مصرف کالاهای تولید داخل صورت می‌گیرد. IX_2 شامل تفاوت قیمت پرداختی مصرف‌کننده و قیمت مرجع جهانی به ازای مصرف کالای

-
1. Market price support
 2. Budget Payments (BP)
 3. Consumer Support Estimate (CSF)

وارد شده می‌شود. از این رو به دولت یا واردکننده و یا هر دو تعلق می‌یابد. IX_3 مربوط به بخشی از کالاهای زراعی است که توسط دام و طیور به مصرف می‌رسد و برای جلوگیری از برآورد دوباره فقط در قسمت کالاهای زراعی اندازه‌گیری می‌شود.

شاخص حمایت از خدمات عمومی: این شاخص ارزش ناخالص سالیانه خدمات عمومی بخش کشاورزی را نشان می‌دهد. این خدمات برای توسعه زیرساخت‌های بخش کشاورزی هزینه و به صورت زیر محاسبه می‌شود (همان):

$$GSSE = i + j + k + l + m + n + o \quad (۳)$$

در این معادله، i مخارج تحقیق و توسعه، j آموزش کشاورزی، k نظارت و بازرسی، l زیرساخت‌ها، m بازاریابی و ترویج، n ذخیره‌سازی عمومی و o پرداخت‌های متفرقه را نشان می‌دهد.

۲-۲. آسیب‌شناسی و تغییر ساختار با استفاده از روش دلفی

روش دلفی از دهه ۱۹۶۰ مورد توجه و شناخت قرار گرفت و هم‌اکنون برای طیف گسترده‌ای از سؤالات آینده‌محور و پیچیده در زمینه‌های مختلف استفاده می‌شود (Rowe and Wrigh, 1999). دلفی به معنای رسیدن به اجماع گروهی از طریق یک سری از دورهای^۲ پرسشنامه‌ای با حفظ گمنامی پاسخ‌دهندگان و بازخورد نظرها به اعضای کارگروه است (Keeney, Hasson and McKenna, 2001). دلفی در زمینه‌هایی مانند تصمیم‌گیری و افزایش اثربخشی آن، قضاوت، تسهیل حل مسئله، نیازسنجی، هدف‌گذاری، کمک به برنامه‌ریزی، تعیین اولویت، پیش‌بینی آینده، خلاقیت، سازمان‌دهی ارتباطات گروهی، جمع‌آوری گروهی اطلاعات، آموزش گروه پاسخ‌دهنده، تعیین سیاست‌ها، تخصیص منابع و اجماع یا توافق گروهی نیز به کار می‌رود (Lawrence, 1999).

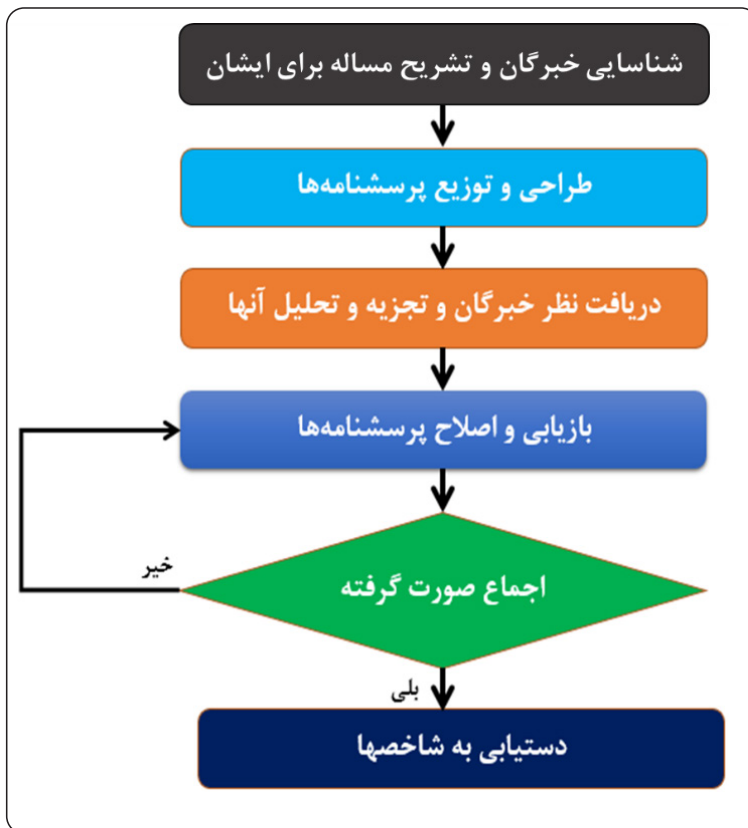
به‌رغم تفاوت‌هایی که در نحوه اجرای روش دلفی وجود دارد، این روش بر پایه

1. General Services Support Estimate (GSSE)

2. Rounds

به‌کارگیری متخصصانی است که به دلیل تخصصشان مشارکت کرده‌اند. روند کار نیز استفاده از پرسشنامه‌های ترتیبی در دو یا چند دور است که در دور اول مشارکت‌کنندگان، ایده‌ها و موضوعات اصلی را تعیین می‌کنند و سپس این ایده‌ها تلفیق شده تا پرسشنامه برای دورهای بعدی طراحی شود. سپس در مرحله ارزیابی، پاسخ‌ها در اختیار اعضا قرار می‌گیرد و از آنها خواسته می‌شود تا پاسخ‌های اولیه خود را ارزیابی کنند. روش دلفی به دنبال ایجاد توافق و اتفاق نظر مشارکت‌کنندگان در خصوص موارد ذکر شده در پرسشنامه‌هاست.

شکل ۱. فرم کلی مراحل انجام روش دلفی



آمار و اطلاعات مورد استفاده در پژوهش حاضر در رابطه با سیاست‌های حمایتی از وزارت جهاد کشاورزی، مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و بانک جهانی جمع‌آوری شد. به‌منظور آسیب‌شناسی سیاست‌های بخش کشاورزی نیز از پرسشنامه و مصاحبه‌های حضوری از نخبگان استفاده شد. از این‌رو تعداد نوزده پرسشنامه از اعضای هیئت علمی بخش کشاورزی در دانشگاه‌ها و سیاستگذاران این بخش در بدنه اجرایی دولت جمع‌آوری شد.

۳. برآورد میزان حمایت از محصولات منتخب بخش کشاورزی ایران

در ادامه میزان حمایت از محصولات کشاورزی در ایران به تفکیک گروه‌های کالایی برآورد شده است. این کالاها در سه گروه محصولات زراعی، محصولات باغی و محصولات دامی تقسیم‌بندی شده و میزان حمایت از تولیدکننده، مصرف‌کننده و حمایت از قیمت بازاری برای آنها محاسبه شده است. بعد از محاسبه میزان حمایت برای هر یک از کالاهای مورد بررسی، میزان حمایت از خدمات عمومی نیز اندازه‌گیری شده است. محاسبه حمایت برای هر گروه کالایی، این مکان را برای قانونگذار و یا سیاستگذار فراهم می‌کند تا راهبرد لازم برای هر محصول را اتخاذ کند.

۳-۱. مجموع برآورد حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده

با توجه به مجموعه داده‌های جمع‌آوری شده و محاسبات تحقیق، می‌توان مجموع حمایت از بخش کشاورزی در ایران را از دیدگاه مصرف‌کننده و تولیدکننده محاسبه کرد. در جدول ۱ مقادیر حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی به تفکیک زراعی، باغی و دامی آورده شده است. میزان حمایت مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰، به طور متوسط مثبت ۹۰۹۵ میلیارد ریال در سال، برآورد می‌شود. اما بیشتر حمایت‌ها در بخش دامی و سپس زراعی است. میزان حمایت از بخش باغی منفی برآورد شده و به این معناست که مالیات غیرمستقیم از تولیدکنندگان این زیربخش اخذ شده است.

جدول ۱. برآورد میزان حمایت از مصرف‌کنندگان بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰

(میلیارد ریال)

سال	کل بخش کشاورزی	زراعی	باغی	دامی
۱۳۸۰	-۱۱۳۴۲۵	-۲۳۳۶۲	-۱۰۹۲۶۸	۱۹۲۰۵
۱۳۸۱	-۱۹۵۹۲۸	-۳۳۹۳۸	-۱۷۶۹۰۸	۱۴۹۱۸
۱۳۸۲	-۱۲۶۵۶۲	-۳۴۹۵۳	-۱۲۱۱۰۵	۲۹۴۹۶
۱۳۸۳	-۶۲۷۳۷	-۲۶۴۲۸	-۸۴۰۷۰	۴۷۷۶۱
۱۳۸۴	۱۸۱۹۶	-۱۳۱۵۵	-۳۳۶۹۶	۶۵۰۴۸
۱۳۸۵	۸۹۰۶	-۲۳۱۸۳	-۲۶۲۱۲	۵۸۳۰۰
۱۳۸۶	۳۵۵۱۴	۸۶۷	-۴۷۳۴۱	۸۱۹۸۸
۱۳۸۷	۹۲۹۶۱	۲۴۲۳۴	-۳۶۳۳۲	۱۰۵۰۵۹
۱۳۸۸	۱۰۶۱۰۲	۴۹۲۴۶	-۲۴۲۰۸	۸۱۰۶۴
۱۳۸۹	۲۱۰۹۲۷	۷۸۷۱۱	۴۵۵۳۳	۸۶۶۸۲
۱۳۹۰	۲۸۰۱۰۶	۱۱۰۴۵۱	۵۵۸۹۳	۱۱۳۷۶۲
۱۳۹۱	۱۸۲۳۴۱	۷۹۱۳۵	۳۳۶۴۲	۶۹۵۶۴
۱۳۹۲	۵۴۶۷۰	-۲۳۱۸	-۲۷۵۳۱	۸۴۵۱۹
۱۳۹۳	۵۸۸۸۳	۱۴۸۹۱	-۶۱۵۲۵	۱۰۵۵۱۷
۱۳۹۴	۴۶۰۲۳	-۱۶۲۸۵	-۳۸۸۹۷	۱۰۱۲۰۴
۱۳۹۵	-۲۰۶۶۹	-۱۴۹۱۰	-۸۸۱۷۱	۸۲۴۱۲
۱۳۹۶	-۶۵۰۳۷	-۱۸۱۱۹	-۷۴۰۱۹	۲۷۱۰۲
۱۳۹۷	-۱۷۹۷۹۰	-۱۹۰۴۶	-۱۱۲۲۵۱	-۴۸۴۹۳
۱۳۹۸	-۱۵۷۶۷۵	-۲۳۴۵۳	-۹۲۱۸۶	-۴۲۰۳۵
میانگین	۹۰۹۵	۵۷۰۴	-۵۳۶۱۳	۵۷۰۰۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در جدول ۲ نیز برآورد حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی به تفکیک زیربخش‌ها نشان داده شده است. برآوردها به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که سالیانه ۱۶۲۲۸۰ میلیارد ریال از تولیدکنندگان بخش کشاورزی مالیات اخذ شده است. البته به دلیل سیاستگذاری و دخالت بیشتر دولت در زمینه محصولات زراعی، این مالیات غیرمستقیم ۴۲۰ میلیارد ریال در سال برآورد می‌شود. بیشتر مالیات غیرمستقیم از تولیدکنندگان بخش دامی اخذ شده و تولیدکنندگان این زیربخش به طور متوسط در هر سال ۷۵۶۲۰ میلیارد ریال به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ مالیات غیرمستقیم پرداخته‌اند. در سال‌های اخیر (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸) نیز به دلیل افزایش شدید نرخ و افزایش هزینه تولید، هرگونه سیاست حمایتی دولت مؤثر نبوده و دولت در این سال‌ها از تولیدکنندگان مالیات غیر مستقیم اخذ کرده است. از این رو سیاست دولت در این زیربخش معطوف به حمایت از مصرف‌کننده و تأمین غذای ارزان است. نکته مهم اینکه میزان حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان منفی بوده است. در چنین حالتی تولیدکننده محصولش را کمتر از قیمت جهانی به بازار عرضه کرده، اما مصرف‌کننده بیشتر از قیمت متوسط جهانی آن را خریداری کرده است. بر این اساس نقش سیستم توزیع در این زیربخش قابل توجه بوده و توانسته بخش زیادی از این مالیات غیرمستقیم را به سمت خود هدایت کند. بنابراین یکی از اولویت‌های سیاستگذار باید رفع سیستم بازررسانی معیوب در زیربخش محصولات باغی باشد.

جدول ۲. برآورد میزان حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰

(میلیارد ریال)

سال	کل بخش کشاورزی	زراعی	باغی	دامی
۱۳۸۰	۱۰۹۲۷۰	۱۱۲۶۳۲	۴۲۹۳	-۷۶۵۵
۱۳۸۱	۸۷۵۹۲	۱۰۹۲۰۸	-۱۷۲۱	-۱۹۸۹۶
۱۳۸۲	۲۰۹۷۵	۸۵۴۶۵	-۳۰۸۱۲	-۳۳۶۷۸
۱۳۸۳	۱۰۴۷۹	۹۶۲۶۰	-۳۹۸۳۶	-۴۵۹۴۴

سال	کل بخش کشاورزی	زراعی	باغی	دامی
۱۳۸۴	-۱۰۷۵۳۶	۵۸۴۰۰	-۹۹۰۷۳	-۶۶۸۶۳
۱۳۸۵	-۱۰۸۱۶۸	۳۶۹۴۳	-۷۹۵۷۳	-۶۵۵۳۷
۱۳۸۶	-۱۸۷۹۷۶	-۸۰۸۹	-۸۸۹۲۲	-۹۰۹۶۵
۱۳۸۷	-۲۱۱۸۱۶	-۱۲۶۳۰	-۹۱۹۳۸	-۱۰۷۲۴۷
۱۳۸۸	-۳۰۷۴۷۴	-۸۸۶۴۹	-۱۱۶۲۵۷	-۱۰۲۵۶۸
۱۳۸۹	-۳۸۱۵۰۳	-۱۰۲۳۳۱	-۱۷۶۲۲۴	-۱۰۲۹۴۸
۱۳۹۰	-۴۵۱۲۳۰	-۱۴۵۱۰۹	-۱۸۵۶۰۳	-۱۲۰۵۱۹
۱۳۹۱	-۲۸۶۲۳۶	-۹۵۳۱۶	-۱۲۴۲۸۲	-۶۶۶۳۹
۱۳۹۲	-۲۲۰۰۷۷	-۳۴۰۲۷	-۹۷۵۷۶	-۸۸۴۷۴
۱۳۹۳	-۲۵۸۰۳۰	-۵۳۰۱۸	-۹۱۳۳۲	-۱۱۳۶۸۰
۱۳۹۴	-۲۱۸۹۰۱	-۲۶۷۹	-۱۰۸۴۵۴	-۱۰۷۷۶۷
۱۳۹۵	-۱۸۰۸۵۶	۲۳۷۷۹	-۱۰۲۹۷۶	-۱۰۱۶۵۸
۱۳۹۶	-۲۳۴۴۴۵	-۹۵۴۷	-۱۲۱۵۶۵	-۱۰۳۳۳۳
۱۳۹۷	-۸۷۱۷۸	۱۵۱۰۴	-۶۵۳۲۱	-۳۶۹۶۰
۱۳۹۸	-۷۰۲۵۰	۵۵۴۲	-۲۱۲۹۰	-۵۴۵۰۳
میانگین	-۱۶۲۲۸۲	-۴۲۴	-۸۶۲۳۵	-۷۵۶۲۳

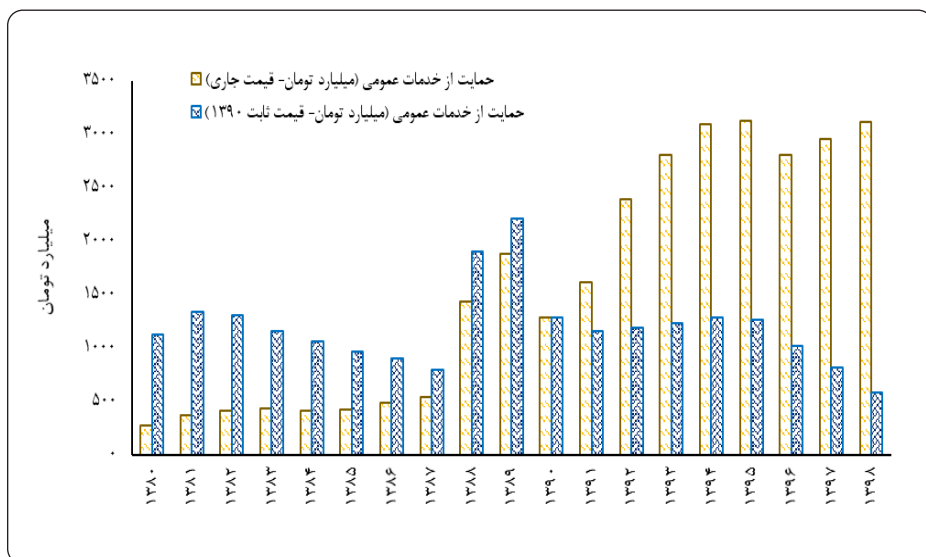
مأخذ: همان.

۲-۳. برآورد حمایت از خدمات عمومی در کشاورزی ایران

شاخص حمایت از خدمات عمومی در بخش کشاورزی، شامل پرداخت‌هایی است که توسط دولت برای توسعه کل بخش کشاورزی در نظر گرفته می‌شود و دریافت‌کننده فردی ندارد. این پرداخت‌ها همچنان مستقل از تصمیم‌ها و فعالیت‌های فردی کشاورزان و مصرف‌کنندگان است و برای رفاه اجتماعی بخش کشاورزی هزینه می‌شود. نمودار ۱ روند حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی از سال ۱۳۸۰ به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ و قیمت جاری را نشان می‌دهد.

روند حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی به قیمت ثابت نشان دهنده روند تقریباً ثابت در طول دوره مورد بررسی است. فقط در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به طور معنادار میزان این شاخص در نتیجه گسترش سرمایه‌گذاری به دلیل وفور درآمدهای نفتی افزایش یافته است. در سال‌های اخیر نیز به علت محدودیت‌های ناشی از تحریم میزان این شاخص دارای روند نزولی بوده است.

نمودار ۱. روند حمایت از خدمات عمومی بخش کشاورزی به قیمت‌های جاری و ثابت ۱۳۹۰



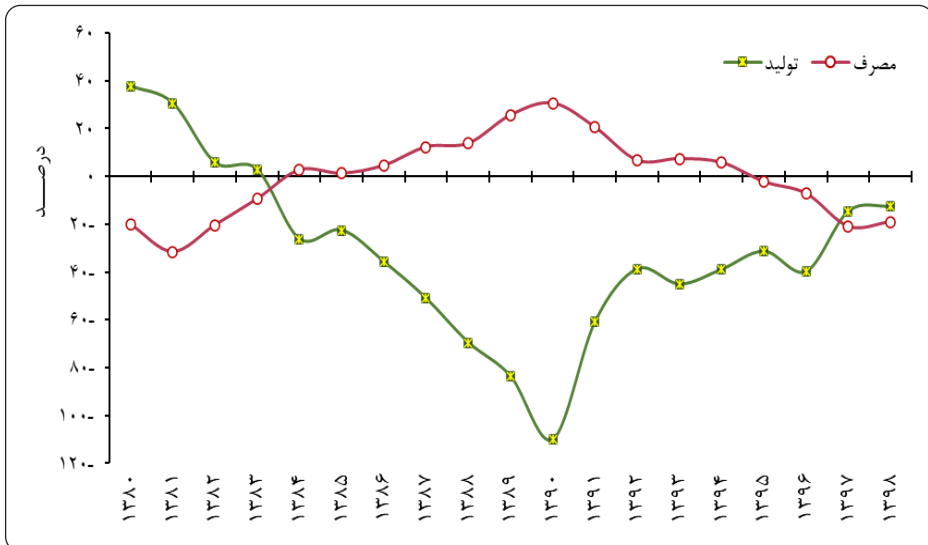
مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در محاسبه میزان حمایت از بخش کشاورزی، دو شاخص «سهم حمایت از تولید نسبت به ارزش تولیدات کشاورزی» و «سهم حمایت از مصرف به ارزش کالاهای کشاورزی مصرف شده» دارای اهمیت ویژه‌ای است. این دو شاخص توسط نهادهای بین‌المللی نیز گزارش می‌شود، اما تاکنون در ایران محاسبه‌ای درباره آنها انجام نشده است. این دو شاخص توانایی نشان دادن جهت‌گیری کلی بخش کشاورزی را دارند و می‌توانند به خوبی نتیجه راهبردهای اتخاذ شده را بیان کنند. راهبرد اصلی در بخش کشاورزی مبتنی بر تأمین

«غذای ارزان» است. تثبیت نرخ ارز در کنار تورم تولیدکننده کشاورزی، به افزایش قیمت تمام شده کشاورزی در داخل منجر شده و همین امر به شدت شاخص طرف تولید را کاهش داده است. بروز تحریم‌ها و افزایش نرخ ارز در سال ۱۳۹۱، روند نزولی این شاخص را متوقف کرده و در ادامه در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ و به دنبال تثبیت مجدد نرخ ارز، روند بهبود شاخص تولیدکننده کم شده و در ادامه کاهش یافته و مجدداً با افزایش نرخ ارز در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ باعث افزایش مقدار این شاخص شده به طوری که به عدد منفی ۱۲/۵- رسیده است. منفی شدن همزمان شاخص تولیدکننده و مصرف‌کننده در محصولات باغی از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ به دلیل واسطه‌گری است که باعث متورم شدن حاشیه بازار شده و عملاً بخش زیادی از قیمت پرداختی توسط مصرف‌کننده، جذب عامل توزیع شده و به تولیدکننده اصابت نمی‌کند. از این رو مصرف‌کننده و تولیدکننده هر دو در این باره ضرر می‌کنند.

نمودار ۲. روند شاخص سهم حمایت از تولید به ارزش تولیدات کشاورزی و سهم حمایت از مصرف

به ارزش محصولات مصرفی



مأخذ: همان.

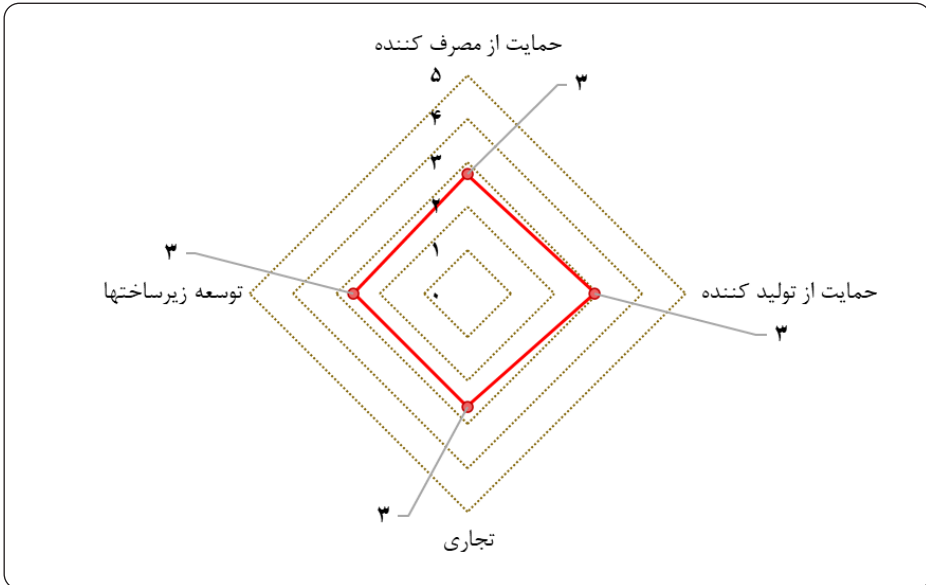
۳-۳. آسیب‌شناسی سیاست‌های حمایتی

یکی از علل ناکارایی نسبی سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی ایران، ساختار نامناسبی است که در اجرا وجود دارد. از این رو در این مطالعه با استفاده از روش دلفی و نظرات خبرگان به تحلیل آسیب‌ها و تغییر ساختار سیاست‌گذاری در حوزه سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی پرداخته شد. بر این اساس ابتدا پرسشنامه‌ای در این زمینه طراحی و پس از اصلاح و تأیید روایی آن توسط محققان، در دو دور در اختیار مجموعه‌ای از خبرگان سیاست‌های حمایتی در دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفت. سؤالات درباره آسیب‌شناسی در دو جدول شامل «نظرسنجی در مورد میزان موفقیت سیاست‌های حمایتی اعمال شده» و «نظرسنجی در مورد ادامه سیاست‌های پیشین» در چهار بخش «حمایت از تولید»، «حمایت از مصرف»، «حمایت از تجارت» و «حمایت از توسعه زیرساخت‌ها» مورد ارزیابی و نظرخواهی قرار گرفت. در ادامه گویه‌های تغییر ساختار نیز در یک جدول و در چهار بخش «حمایت از مصرف»، «حمایت از تولید»، «حمایت از تجارت» و «مدیریت منابع» مورد بررسی و نظرسنجی قرار گرفته است.

۳-۳-۱. میزان موفقیت سیاست‌های حمایتی اتخاذ شده

میانگین نظرات خبرگان برای مؤلفه‌های «حمایت از مصرف‌کنندگان»، «حمایت از تولیدکننده»، «حمایت تجاری» و «مدیریت منابع» به ترتیب ۲/۷۳، ۲/۹۲، ۲/۵۹ و ۲/۶۱ است. بر این اساس تمامی مؤلفه‌ها بین سطح «کم» تا «متوسط» قرار دارد. با توجه به نظرات خبرگان اجماع بر این است که کمترین موفقیت در مورد سیاست‌های حمایتی از بخش تجاری حاصل شده است و مجموعه سیاست‌های این بخش، کمترین کارایی و اثربخشی را داشته‌اند. همچنین موافقت اکثریت با حمایت از تولید بوده است. اگرچه میانگین گویه‌ها در مورد توسعه زیرساخت‌ها، حمایت از تولید و تجارت بسیار به هم نزدیک هستند.

نمودار ۳. میزان موفقیت هر یک از سیاست‌های حمایت از کشاورزی از نظر اجماع خبرگانی

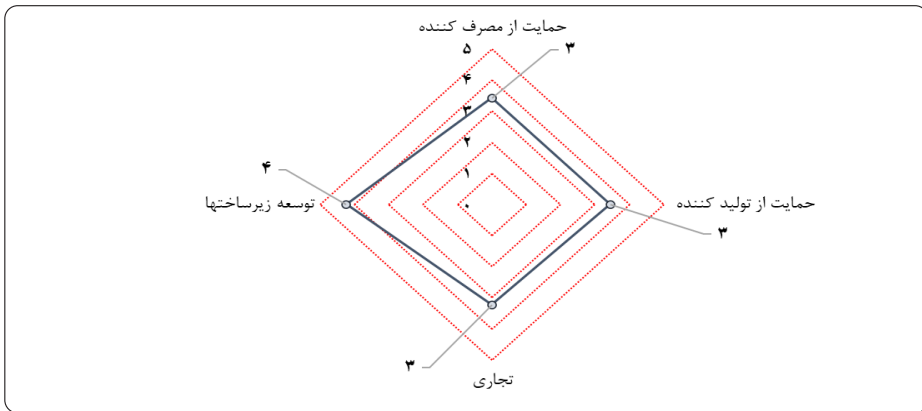


مأخذ: همان.

۳-۳-۲. تداوم سیاست‌های قبلی در مورد سیاست‌های حمایتی

خبرگان در پاسخ‌گویی به سؤال «میزان موافقت شما با ادامه سیاست‌های اعمال شده برای آینده به چه میزان است؟» به اجماع دست یافتند. بر این اساس گویه ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در طیف متوسط تا زیاد و قیمت‌گذاری دستوری برای فروش کالاهای کشاورزی در طیف کم تا متوسط قرار داشته است. خبرگان نسبت به «اعمال سیاست‌های حمایتی برای مدیریت منابع در آینده» خوش بین بوده‌اند و این سیاست‌ها رتبه یک بین مؤلفه‌ها را به خود اختصاص داده‌اند. نظرخواهی از مجموعه خبرگان نشان می‌دهد با اینکه سیاست‌های اعمال شده موفقیت‌های متوسطی را کسب کرده‌اند، اما ادامه آن لازم است. ادامه این سیاست‌ها اولاً باید در سمت توسعه زیرساخت‌ها و سپس حمایت از تولیدکننده باشد، چرا که این دو شاخص بیشترین توجه خبرگان را جلب کرده بود.

نمودار ۴. ادامه سیاست‌های حمایتی موجود از نظر اجماع خبرگانی

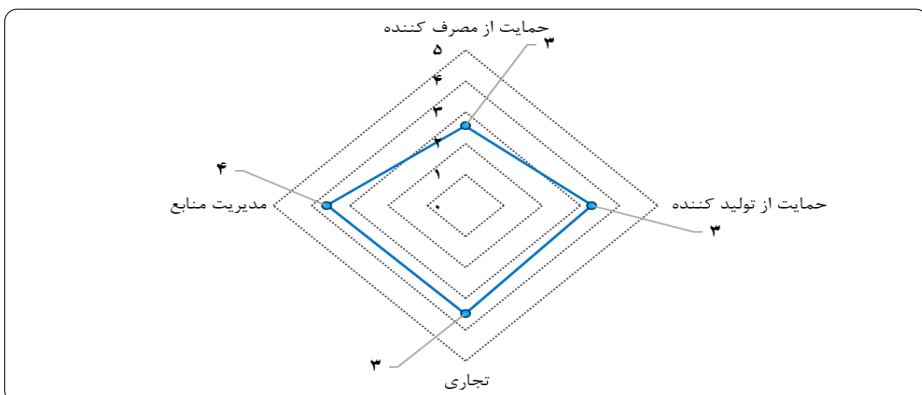


مأخذ: همان.

۳-۳-۳. تغییر ساختار حمایت‌ها از بخش کشاورزی

جمع‌بندی نظرات خبرگان در این باره نشان می‌دهد که در تغییر ساختار حمایت‌ها، جهت‌گیری سیاست‌ها باید به سمت مدیریت منابع، تجارت و حمایت از تولیدکننده باشد و حمایت از مصرف‌کننده در اولویت آخر قرار گیرد؛ چراکه حمایت از مصرف‌کننده بیشترین نقش را در انحراف سیاست‌های حمایتی ایفا کرده و آسیب قابل توجهی به تولیدات کشاورزی داشته است.

نمودار ۵. جهت‌گیری تغییر ساختار سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی



مأخذ: همان.

با توجه به آنچه بیان شد و نتایج تحلیل جامعه خبرگانی، الزامات و پیش‌زمینه تغییر ساختار در سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی نیازمند توجه بیشتری است. آنان موفقیت سیاست‌های حمایتی را متوسط و کمتر از آن ارزیابی کرده‌اند؛ اما ادامه این سیاست‌ها را با رعایت الزامات آن بیشتر از متوسط توصیه می‌کنند. از طرف دیگر، میزان موافقت با تغییر ساختار سیاست‌های حمایتی بیش از متوسط بوده است. البته جامعه خبرگان معتقدند که تغییر ساختار سیاست‌های حمایتی باید از سمت مصرف به سمت تولید و مدیریت منابع انتقال داده شود.

۴. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

کشاورزی در ایران به دلیل، اقلیم خشک و نیمه خشک نیازمند حمایت‌های گسترده است. حمایت بخش جدایی‌ناپذیری از ساختار اقتصاد کشاورزی در دنیاست و دستور کلی سیاستگذاران معطوف به انجام حمایت‌های گسترده از این بخش است. بنابراین در تحقیق حاضر در مرحله اول به برآورد میزان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده بخش کشاورزی ایران با استفاده از شاخص حمایت از تولیدکننده، مصرف‌کننده و شاخص خدمات عمومی پرداخته شد و در ادامه با نظرخواهی از خبرگان و روش دلفی به آسیب‌شناسی و تغییر ساختار این بخش پرداختیم. نتایج نشان داد که در کل بخش کشاورزی شاخص حمایت از مصرف‌کننده در بیشتر سال‌های مورد مطالعه مثبت بوده و دولت همواره به حمایت از مصرف‌کننده پرداخته است و به‌طور متوسط ۹۰۹۵ میلیارد ریال در هر سال حمایت کرده است. اما شاخص حمایت از تولیدکننده نشان‌دهنده عدم حمایت دولت و دریافت مالیات غیرمستقیم از تولیدکننده است. هرچند در سال‌های اخیر (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸) به دلیل نوسانات شدید نرخ ارز، تحریم و تورم این شاخص‌ها برای مصرف‌کننده و تولیدکننده منفی بوده که نشان‌دهنده عدم تأثیر سیاست‌های حمایتی مورد استفاده دولت است. همچنین شاخص حمایت خدمات عمومی بخش کشاورزی به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ نیز به علت بروز تحریم‌ها دارای روند نزولی بوده است. در ادامه به منظور آسیب‌شناسی سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی از روش دلفی استفاده شد. نتایج حاکی از آن بود که سیاست‌های

حمایتی از بخش تجاری دارای کمترین موفقیت، کارایی و اثربخشی بوده‌اند. همچنین نتایج مقاله نشان داد که سیاست‌های حمایتی باید به طرف توسعه زیرساخت‌ها و سپس حمایت از تولیدکننده باشد و حمایت از مصرف‌کننده در اولویت آخر قرار گیرد؛ زیرا حمایت از مصرف‌کننده تأثیر زیادی بر انحراف سیاست‌های حمایتی دارد و آسیب قابل توجهی به تولیدات کشاورزی داشته است. بر این اساس پیشنهادهای زیر مطرح می‌شود:

- چالش‌های سیاست «غذای ارزان»: بدون شک تأمین امنیت غذایی یکی از دغدغه‌های سیاستگذاران و تصمیم‌گیران دولت‌ها به شمار می‌رود. اما برای ایجاد یک چرخه امنیت غذایی پایدار، روش‌های متفاوتی وجود دارد، به نحوی که افراد جامعه توان و تمایل کافی برای مصرف غذا داشته باشند و به میزان کافی هم در اختیار ایشان قرار گیرد. در ایران و چند دهه اخیر، یکی از سیاست‌هایی که به شدت از سوی تصمیم‌گیران دنبال شده؛ تأمین غذا با قیمت یارانه‌ای بوده است. در چنین حالتی فرض بر این است که عده‌ای از افراد جامعه توان خرید با قیمت بازاری یک کالا را ندارند، از این رو دولت با دخالت خود در بازار، قیمت را به سود مصرف‌کننده پایین می‌آورد. متأسفانه این سیاست، نه کارایی لازم را دارد و نه اثربخش خواهد بود. زیرا معمولاً در چنین مواقعی غذای ارزان به گروه‌های هدف واقعی اصابت نکرده و حاشیه‌های قیمتی ایجاد شده به فساد اقتصادی دامن می‌زند. در چنین حالتی تولیدکننده نیز متضرر شده و بخشی از ارزش افزوده کشاورزی در نتیجه سرکوب قیمتی از دست می‌رود. وجود همین سیاست و پیگیری آن باعث شده که مقدار «شاخص حمایت از مصرف‌کننده» برای بخش کشاورزی ایران مثبت باشد؛ در حالی که این شاخص برای کشورهای عضو سازمان توسعه اقتصادی، ترکیه و حتی چین منفی بوده است. بنابراین جهت سیاستگذاری‌ها باید به سمت حمایت از تولید سوق داده شود. در چنین حالتی و با توجه به آسیب‌شناسی انجام شده، پرداخت‌های نقدی مابه‌ازای تولید می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. از طرف دیگر قیمتگذاری دستوری و بخشنامه‌های منع‌کننده صادرات محصولات کشاورزی باید از اولویت سیاستگذاری خارج شود.

- محصولات باغبانی: سیاستگذاری در مورد حمایت از محصولات کشاورزی معطوف به یکی از طرف‌های مصرف و یا تولید است؛ اما برآورد میزان حمایت از تولیدکننده و مصرف‌کننده

محصولات باغبانی در ایران نشان می‌دهد که هم حمایت از تولید و هم حمایت از مصرف منفی است. از این رو دو طرف ابتدا و انتهای زنجیره تأمین این محصولات مالیات غیرمستقیم پرداخته‌اند، به نحوی که نصیب هیچ‌یک نشده است. در بازار این محصولات وجود حاشیه قیمتی قابل توجه باعث شده تا مصرف‌کنندگان قیمتی بالاتر از قیمت جهانی بپردازند و تولیدکنندگان قیمتی کمتر از قیمت جهانی دریافت کنند. در این میان سود قابل توجهی نصیب توزیع‌کننده شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود اصلاح سیستم بازاریابی و بازاریابی محصولات باغی در اولویت قرار گیرد؛ چرا که ادامه این روند به شدت می‌تواند اقتصاد این بخش از تولیدات کشاورزی را تحت تأثیر قرار دهد.

- **آثار سرریز نرخ ارز:** بدون شک یکی از چالش‌های اقتصاد کلان بی‌ثبات نرخ ارز است. این نرخ ارز عاملی تعیین‌کننده در برآورد میزان حمایت از بخش کشاورزی است؛ چرا که تبدیل قیمت‌های جهانی به قیمت‌های داخلی برای انجام مقایسه، با این نرخ انجام می‌شود. سیاست سرکوب نرخ ارز از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰، به زیان قابل توجه تولیدکنندگان کشاورزی منجر شده است؛ چرا که تورم ناشی از تولید در این بازه زمانی، افزایش قیمت تمام شده را اجتناب‌ناپذیر می‌کرده است، اما به علت ثبات نرخ ارز، همواره قیمت جهانی پایین‌تر از قیمت داخلی بوده است. این امر انگیزه برای واردات را گسترش داده و در نهایت به زیان تولیدکننده تمام شده است. در مقابل افزایش نرخ ارز در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷، تا حدود قابل توجهی از سقوط شاخص حمایت از تولیدکننده جلوگیری کرده و گاهی جهت آن را به سمت بهبود تغییر داده است. از این رو پیشنهاد اساسی برای حمایت واقعی از تولید، ممانعت از سرکوب نرخ ارز است؛ چرا که این پدیده در نهایت به زیان بخش تولیدی در اقتصاد و کشاورزی تمام خواهد شد و مصرف‌کنندگانی که برای ایشان نرخ ارز سرکوب شده است، بیشترین ضرر را از این ناحیه خواهند دید.

- **تغییر ساختار حمایت‌ها:** چشم‌انداز اتخاذ سیاست‌های حمایتی از بخش کشاورزی، بهبود رفاه اجتماعی افراد یک جامعه است. از این رو تدوین این سیاست‌ها باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ و ارتقای امنیت غذایی به پایداری بیشتر محیط زیست کشاورزی منجر شود. بنابراین ایجاد یک نظام یکپارچه برای مدیریت و سیاستگذاری در حوزه سیاست‌های

حمایتی به شدت مورد نیاز است. تجربه کشورهای موفق و پیش رو نشان می‌دهد که آنها سیاست‌های حمایت از تولید را در دستورکار خود قرار داده‌اند. به عنوان نمونه کشوری مانند نروژ به میزان ۶۲ درصد از درآمد مزرعه از کشاورزان حمایت کرده، در صورتی که میزان این شاخص برای ایران برای سال ۱۳۹۸ کمتر از ۱۲- درصد برآورد شده است. این نوع نگاه به تولید در بخش کشاورزی، پایداری تولید و امنیت غذایی را به شدت با چالش مواجه خواهد کرد. آسیب‌شناسی ساختار سیاست‌های حمایتی در ایران و نظر خبرگان نشان می‌دهد جهت‌گیری ساختار حمایت‌ها باید به سمت حمایت از تولید و مدیریت منابع تغییر کند. در این میان توجه به بازاریابی محصولات کشاورزی و کاهش حاشیه قیمت‌های بازاری نقش اساسی دارند. همچنین در این تغییر ساختار، پرداخت‌های نقدی مستقیم به کشاورز، باغدار و یا دامدار باید در ازای کاهش مصرف منابع و یا مشارکت در طرح‌ها باشد.

- حمایت از تولیدکننده: با توجه به نظرهای خبرگانی در مورد تغییر ساختار حمایت از تولید در بخش کشاورزی سیاست‌های «تسهیلات بازاریابی»، «صندوق تثبیت قیمت»، «حمایت از کشاورزان جوان» و «سیاست خرید با قیمت اعتباری» دارای وفاق بیشتری بوده‌اند و در اولویت‌های بالاتر قرار گرفته‌اند. از این رو اولین راهکار برای حمایت از تولید، توجه به قیمت تولیدکننده و افزایش سودآوری برای کشاورز است. در ادامه کاهش ریسک قیمتی از طریق سیاست «خرید با قیمت اعتباری» نیز جزء اولویت‌های تغییر ساختار بوده است. از آنجاکه بهره‌برداران کشاورزی معمولاً دارای سن بالایی هستند، حمایت از کشاورزان جوان می‌تواند به رونق تولیدات کشاورزی منجر شود. پرداخت‌های مستقیم نقدی نیز در ازای محدودیت مصرف در نهاده‌ها و یا مشارکت در طرح‌ها توصیه شده‌اند.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، فرشاد، فرشید اشراقی و فرهاد شیرانی بیدآبادی (۱۳۹۹). «ارزیابی سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان پسته در ایران»، *مجله علمی پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۱۲(۴۶).
۲. باریکانی، الهام و حبیب شهبازی (۱۳۹۵). «بررسی اثر سیاست‌های حمایت یارانه‌ای از نهاده‌ها بر بهره‌وری کل عوامل تولید بخش کشاورزی ایران»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۲۴(۹۳).
۳. بستاک، مصطفی (۱۳۸۱). «بررسی آثار سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: زیربخش دام و طیور)»، *پژوهش و سازندگی*، ۱۹(۴).
۴. بستاک، مصطفی و حسین صادقی (۱۳۸۱). «اندازه‌گیری آثار مداخله دولت در قیمتگذاری محصولات دامی: بررسی موردی گوشت مرغ»، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۱۰(۳۷).
۵. پرمه، زورار و علیرضا کرباسی (۱۳۹۱). «برآورد حمایت‌های بخش کشاورزی و تأثیر کاهش آن بر اقتصاد ایران»، *مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، شیراز.
۶. پرمه، زورار و میرهادی سیدی (۱۳۸۲). «سیاست‌های حمایتی، دیدگاه‌های بین‌المللی و کشاورزی ایران»، *همایش کشاورزی و توسعه ملی، کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد*، تهران.
۷. جعفری لیسار، نسیم، علی کرامت‌زاده و رامتین جولایی (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر عرضه برنج در ایران»، *مجله علمی پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۱۱(۴۱).
۸. حسن پور، احمد (۱۳۸۴). «الگوی تحلیل و ارزیابی اقتصادی تحقیقات کشاورزی ایران مطالعه موردی چغندر قند»، رساله دکترای اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تهران.
۹. حسینی، سیدصفدر (۱۳۹۲). «بررسی و ارزیابی آثار و پیامدهای سیاست‌های کلان و حمایت‌بخشی از بخش کشاورزی ایران»، *طرح تحقیقاتی خاتمه‌یافته، اتاق بازرگانی*، تهران.
۱۰. حسینی، سیدصفدر و الهام مهرپرور حسینی (۱۳۹۳). «بررسی اثر سیاست‌های ارزی بر شاخص‌های حمایت از زیربخش‌های کشاورزی ایران»، *اقتصاد کشاورزی (ویژه‌نامه)*، ۸(۵).
۱۱. حسینی، سیدصفدر، حسین نوروزی، محمدرضا پاکروان و الهام مهرپرور حسینی (۱۳۹۵). «اثر سیاست‌های حمایتی دولت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی بر امنیت غذایی در ایران»، *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۷-۲(۳).

۱۲. حسینی، سیدصفدر و سهیل رضایی (۱۳۸۹). «تعیین و ارزیابی سیاست‌های حمایت از تولیدکنندگان خرما در برنامه‌های توسعه اقتصادی»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۲۴(۱).
۱۳. رحیمی سوره، صمد (۱۳۹۳). بررسی نظام حمایتی از بخش کشاورزی ایران، انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران.
۱۴. سادات باریکانی، حامد و آرش آذری (۱۳۹۱). «اثرپذیری سیاست‌های حمایتی کشاورزی بر تولید برنج در ایران»، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۴(۱۵).
۱۵. سلطانی نژاد، حامد، علیرضا ناصرپور، جواد فلاح و محبوبه نارویی (۱۳۹۶). سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی با تمرکز بر رویکردهای مبتنی بر بازار (از طریق بورس کالایی)، تهران، انتشارات بورس.
۱۶. عبدی، الهام (۱۳۹۴). «اثر سیاست‌های حمایتی بر بهره‌وری کل عوامل بخش کشاورزی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا.
۱۷. عسکری، علی و سید محمود حسینی درویشانی (۱۳۸۶). «بررسی شاخص‌های حمایت از بخش کشاورزی ایران و مقایسه آن با کشورهای منتخب»، برنامه ریزی و بودجه، ۱۲(۱۰۳).
۱۸. قهرمان‌زاده، محمد، قادر دشتی، رضا پهلوانی و فاطمه ثانی (۱۳۹۷). «ارزیابی اثربخشی سیاست‌های حمایتی دولت بر بهره‌وری کل عوامل تولید در سامانه‌های روستایی و عشایری پرورش دام در استان‌های منتخب کشور»، پژوهش‌های علوم دامی، ۲۸(۳).
۱۹. کاظم‌نژاد، مهدی (۱۳۹۳). تحلیل اجتناب‌ناپذیری حمایت از بخش کشاورزی در ایران و جهان (مبانی، درس‌هایی از تجارب دنیا، رویکردها)، اقتصاد کشاورزی (ویژه‌نامه)، ۸(۵).
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۳). «مبانی نظری دخالت دولت در اقتصاد»، دفتر مطالعات برنامه و بودجه، شماره مسلسل ۶۹۶۳.
۲۱. گیلان‌پور، امید و مینا حجازی (۱۳۸۸). «تحلیلی بر اندازه و شیوه حمایت از بخش کشاورزی ایران در نیمه اول دهه هشتاد»، نشریه راهبرد، ۱۸(۵۲).
۲۲. معدنیان، بهاره، آرش دوراندیش، محمد قربانی و محمدرضا کهنسال (۱۳۹۳). «اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر تأخیر یا عدم بازپرداخت تسهیلات اعطایی بانک کشاورزی به کشاورزان»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۲۹(۳).
۲۳. نجفی علمدارلو، حامد (۱۳۹۸). «آسیب‌شناسی سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی ایران»، دفتر مطالعات زیربنایی، شماره مسلسل ۱۶۹۳۵.

۲۴. نوروزی، حسین، سیدصفدر حسینی و وحیده انصاری (۱۳۹۹). «تأثیر سیاست‌های حمایتی دولت بر سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران»، مجله علمی پژوهشی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۲(۴۵).
۲۵. نوری، کیومرث (۱۳۸۱). «مطالعه معافیت‌های حمایتی در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت و امکان بهره‌برداری از آن برای حمایت از بخش کشاورزی». گزارش طرح تحقیقاتی، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
26. Cakmak, E. H. (2003). "Evaluation of the Past and Future Agricultural Policies in Turkey: Are They Capable to Achieve Sustainability?", *Department of Economics Middle East Technical University*.
27. Demirdöğen, A., E. Olhan and J. P. Chavas (2016). "Food vs. Fiber: An Analysis of Agricultural Support Policy in Turkey", *Food Policy*, 61.
28. Gopinath, M., K. Mullen and A. Gualti (2004). "Domestic Support to Agriculture in the European Union and the United States: Policy Developments Since 1996", International Food Policy Research Institute, MTID Discussion Paper. No. 75.
29. Hennessy, D. A (1998). "The Production Effect of Agricultural Income Support Policies Under Uncertainty", *American Journal of Agricultural Economics*, Vol. 80.
30. Inhwan, J. (2008). "Determinants of Agricultural Protection in Industrial Countries: An Empirical Investigation", *Economics Bulletin*, 17(1).
31. Keeney, S., F. Hasson and H. P. McKenna (2001). "A Critical Review of the Delphi Technique as a Research Methodology for Nursing", *International Journal of Nursing Studie*, 38(2).
32. Kozar, M., M. Pintar, T. Volk, M. Rednak, I. Rac and E. Erjavec (2016). Agriculture and Agricultural Policy in Eastern European Neighbourhood, 155th Seminar, Kiev, Ukraine 245877, European Association of Agricultural Economists.
33. Kvasha, S. O, Luka and O, Zhemoyda (2006). "Effects of Exchange Rate Misalignment on Agricultural Producer Support Estimates for Ukraine", Abstract to a Contributed Paper Presented at the IAMO Forum, Halle, Germany.

34. Kwieciński, A. and F.W. Tongeren (2007). Quantitative Evaluation of Agricultural Policy Reforms in China: 1993-2005, Issues and Prospects Symposium, July 2007, Beijing, China 55028, International Agricultural Trade Research Consortium.
35. Lawrence, N. W. (1999). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, 4th ed, Allyn and Bacon Co.
36. OECD (2007). Agricultural Policies in Non-OECD Countries: Monitoring and Evaluation.
37. ——— (2008). Agricultural Policies in OECD Countries: Monitoring and Evaluation 2007, ISBN: 978-92-64-02746-6, Turkey (Chapter 14).
38. ——— (2020). Agricultural support (Indicator). DOI: 10.1787/6ea85c58-en.
39. ——— (2017). Evaluation of Agricultural Policy Reforms in the European Union: The Common Agricultural Policy 2014-20. DOI: <https://dx.doi.org/10.1787/9789264278783-2-en>.
40. Orden, D., K. Mullen, D. Sun and A. Gulati (2004). "Agricultural Producer Support Estimates for Developing Countries Measurement Issues and Evidence from India, Indonesia, China and Vietnam", *International Food Policy Research Institute, Research Report Abstract*, 152.
41. Rowe G and G. Wright (1999). "The Delphi Technique as a Forecasting Tool: Issues and Analysis", *International Journal of Forecasting*, 15.
42. Swinnen, J. F. M., H. De Gorter, G. C. Rausser and A. N. Banerjee (2000). "The Political Economy of Public Research Investment and Commodity Policies in Agriculture: an Empirical Study", *Agricultural Economics*, 22.
43. Tripathi, A. K. (2013). "Agricultural Price Policy, Output and Farm Profitability-examining Linkages During Post-reform Period in India", *Asian Journal of Agricultural and Development*, 10 (1).
44. Zdravec, M. and B. A. Zalik (2009). "Geometric and Topological System for Supporting Agricultural Subsidies in Slovenia", *Computers and Electronics in Agriculture*, 69.